

Email:
rjcis@journals.sku.ac.ir

website:
<https://rjcis.sku.ac.ir>

Journal of Culture and Islamic Sciences



Study the effect of Weakness of spirit on defensive readiness and its consequences from the perspective of the Holy Quran

Rostami Heydar Ali¹, Sharif Askari Hossein², Hemtiyan Hamid^{3*}

- 1- Assistant Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Usul al-Din Faculty of Qom, Allameh Askari International University, Qom, Iran.
2. Assistant Professor of the Department of Quran and Hadith Sciences, Usul al-Din Faculty of Qom, Allameh Askari International University, Qom, Iran.
3. 3. Responsible author: Doctoral student of Quran and Hadith Sciences, Usul al-Din Faculty of Qom, Allameh Askari International University, Qom, Iran.

Article information

Article type:
Research Paper

KEYWORDS:

Defense preparation, motivation, and the consequences of weak morale as mentioned in the Holy Quran.

Received: 2024/08/25

Accepted: 2025/02/11

*Corresponding author:

sarv.ostvar14@gmail.com

How to cite this paper:

Rostami, H.A., Sharif Askari, H., Hemtiyan, H. (2025).

Study the effect of Weakness of spirit on defensive readiness and its consequences from the perspective of the Holy Quran. Journal of culture and Islamic sciences. 9(5): 21-35.

ABSTRACT

Defense preparation is among the necessities of survival and authority of a society; in such a way that its lack can lead to defeat against the enemy or cause many human and financial losses. Therefore, the current research was conducted to investigate the effect of morale weakness on defense preparation and its consequences from the perspective of the Holy Quran, using the analytical descriptive method and collecting information through library and computer methods. In the research process, first by referring to the Holy Quran, the verses related to the discussion were identified, then by using the interpretations of the Quran and other reliable sources, the necessary investigations were carried out on the topic, and the findings of the data analysis are as follows: From the point of view of the Holy Quran, morale weakness causes lack of motivation in defense preparation; And fear of the enemy, loss of unity of forces, feeling of inadequacy against the enemy, laxity in fighting, increasing vulnerability and failure in battle are among the consequences of morale weakness..

DOI: [10.22034/rjcis.2025.11832](https://doi.org/10.22034/rjcis.2025.11832)

بررسی تأثیر ضعف روحیه بر آمادگی دفاعی و پیامدهای آن از منظر قرآن کریم

حیدر علی رستمی^۱، حسین شریف عسگری^۲، حمید همیتان^۳*

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین، دانشگاه بین المللی علامه عسکری، قم، ایران.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین، دانشگاه بین المللی علامه عسکری، قم، ایران.

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین، دانشگاه بین المللی علامه عسکری، قم، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی	آمادگی دفاعی جزو ضروریات بقاء و اقتدار یک جامعه است؛ به گونه‌ای که فقدان آن می‌تواند منجر به شکست در برابر دشمن یا ایراد خسارات جانی و مالی فراوان گردد. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ضعف روحیه بر آمادگی دفاعی و پیامدهای آن از منظر قرآن کریم، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و رایانه‌ای انجام گرفته است. در فرایند پژوهش ابتدا با مراجعه به قرآن کریم آیات مرتبط با بحث شناسایی شد، سپس با استفاده از تفاسیر قرآن و سایر منابع معتبر، بررسی‌های لازم درباره موضوع صورت پذیرفت که یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، بدین قرار است: از نگاه قرآن کریم ضعف روحیه موجب بی‌انگیزگی در آمادگی دفاعی می‌شود و ترس از دشمن، از بین رفتن انسجام نیروها، احساس بی‌کفایتی در برابر دشمن، سستی در مبارزه، افزایش آسیب‌پذیری و شکست درنبرد، از جمله پیامدهای ضعف روحیه به شمار می‌آیند.
واژگان کلیدی: آمادگی دفاعی، انگیزه، پیامدهای ضعف روحیه، قرآن کریم.	
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول:	
sarv.ostvar14@gmail.com	
ارجاع: رستمی، ح.ع.، شریف عسگری، ح.، همیتان، ح.، ۱۴۰۴، بررسی تأثیر ضعف روحیه بر آمادگی دفاعی و پیامدهای آن از منظر قرآن کریم، پژوهش‌نامه فرهنگ و معارف دینی، ۹(۵)، ۲۱-۳۵.	

مقدمه

خوی برتری طلبی بشر، که گاه و بیگاه منجر به تحمیل جنگ‌های خانمان سوز از سوی سلطه گران می‌گردد، جامعه بشری را بر این واداشته است تا تدابیر لازم به منظور حفاظت و دفاع از خود در مقابل دشمنان بیندیشد، که نمود عینی این تدابیر، ایجاد ساختارهای نظامی است. اگرچه هدف عمده از تشکیل نیروهای مسلح در کشورهای سلطه‌جو برای تهاجم و سیطره بر سایر کشورها است، فلسفه شکل‌گیری سازمان‌های نظامی در کشورهایی که سیاستشان مبتنی بر عدم تجاوز است، همانا دفاع از خویش و مقابله با تجاوز دشمن است. در این رویکرد، آمادگی دفاعی باید مهم‌ترین و محوری‌ترین دستور کار برای مدیران و فرماندهان نیروهای مسلح باشد؛ به گونه‌ای که به‌طور مستمر عوامل تضعیف‌کننده آن شناسایی و با از بین بردن آن‌ها سطح آمادگی‌های دفاعی روزبه‌روز افزایش یابد. بدیهی است عدم آمادگی دفاعی یا کاهش آن منجر به جسور شدن و طمع دشمن و تهاجم وی خواهد شد که طبعاً پیامد آن شکست یا ایراد خسارات مالی و جانی است. بنابراین ایجاد و حفظ آمادگی دفاعی جزو ضروریات بقاء و اقتدار یک جامعه است؛ و آنچه باعث می‌شود تا انسان تدابیر و اقداماتی برای دفاع از خود در برابر خطرات اتخاذ نماید، همانا حبّ نفس یا «انگیزه بقاء» به عنوان اصلی‌ترین انگیزه‌ی انسان است؛ اما این انگیزه همانند سایر انگیزه‌های انسان ممکن است تحت تأثیر عوامل مختلفی، ضعیف شود؛ به‌ناچار شناسایی و علاج این عوامل تضعیف‌کننده، امری اجتناب‌ناپذیر است، زیرا باوجود آن‌ها، یقیناً آمادگی دفاعی محقق نخواهد شد. یکی از عواملی که می‌تواند انگیزه دفاع را تحت تأثیر قرار داده و موجب بی‌انگیزگی در آمادگی دفاعی شود، «ضعف روحیه» است. این پژوهش باهدف بررسی تأثیر ضعف روحیه بر آمادگی دفاعی و پیامدهای آن از منظر قرآن کریم انجام می‌گیرد. به بیان دیگر این پژوهش می‌خواهد به این سؤالات پاسخ دهد که: از منظر قرآن کریم ضعف روحیه چه اثری بر آمادگی دفاعی دارد؟ و پیامدهای آن چیست؟ و از آن جهت که پیش از این پژوهش مستقلی در موضوع مورد بحث انجام نگرفته، پژوهش حاضر جنبه نوآوری دارد و نتایج آن می‌تواند برای مدیران و فرماندهان نیروهای مسلح در راستای افزایش سطح آمادگی‌های دفاعی مفید باشد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

قرآن کریم به عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین کتاب آسمانی در آیات متعددی مسئله دفاع و آمادگی دفاعی را مورد توجه قرار داده و ضمن بیان آثار و کارکردهای آمادگی دفاعی به اهمیت و ضرورت آن پرداخته است. در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...» و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید...». در این آیه شریفه ضمن امر به آمادگی همه‌جانبه برای مقابله با دشمن علت و فایده آن را بازدارندگی دانسته است.

روحیه: به مجموعه کیفیات نفسانی و حالات روانی یک فرد (معین، ۱۳۸۸: ۱۶۸۴/۲)، یا حالت عاطفی و رفتار یک شخص یا گروه؛ مانند: شادی، غم، امید، همکاری، رقابت، گفته می‌شود (صدری افشار، ۱۳۸۸: ۱۴۳۵/۲)؛ و

مقصود از روحیه در اینجا، باور به توان مقابله با تهدیدات و حملات دشمن است؛ باوری متکی به اعتقاد و عمل که انسان را برای روبرو شدن با دشمن به شوق آورد و در عین امید واثق به وعده نصرت الهی، فارغ از نتیجه، در پی انجام تکلیف باشد.

ضعف روحیه: مقصود از ضعف روحیه، احساس و ابراز ناتوانی برای مواجهه و مقابله با دشمن است که می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد؛ از جمله: برتری ظاهری دشمن به لحاظ امکانات، تجهیزات، نفرت، قدرت بدنی، ورزیدگی یا آمادگی رزمی و موقعیت مکانی در قیاس با وضعیت و شرایط جبهه خودی از یک سو، و ضعف ایمان، ترس، شکست در جنگ، شهادت هم‌زمان و فقدان فرماندهی از سوی دیگر باشد.

آمادگی دفاعی: «آمادگی» [د/د] در لغت به معنی «ساختگی، تهیه، بسیج، ساز، استعداد، تهیاء، ساخت و ساز، آراستگی، جهاز و عُدّه» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۰۲/۱) می‌باشد؛ و «دفاع» در لغت از ماده دَفَعَ (به فتح دال) به معنی به شدت دور کردن، بازداشتن، بازگشتن، چیزی را به جانبی فشار دادن و پس دادن می‌باشد (قریب، ۱۳۶۶: ۴۲۵/۱)؛ و در اصطلاح، «اتخاذ راه‌ها و روش‌هایی در جنگ برای دفع دشمن» (معلوف الیسوعی، ۱۳۸۰: ۲۱۸)، یا «مجموعه ابزارها و روش‌های مورد استفاده برای دفع حملات دشمن» (الجُرّ، ۱۹۷۳: ۵۳۵) می‌باشد؛ و آمادگی دفاعی به مهیا شدن برای دفاع و فراهم کردن الزامات آن گفته می‌شود.

انگیزه: در لغت به معنای سبب و دلیل است که کسی را به کاری وادار می‌کند. روان‌شناسان اصطلاح «انگیزه» را برای چیزی به کار می‌برند که موجود زنده را از داخل به فعالیت وامی‌دارد. بنابراین انگیزه، نوعی محرک یا تغییردهنده داخلی است (نرمان.ال.مان، ۱۳۶۶: ۳۰۷/۱ - ۳۰۸). انگیزه خود دارای انواعی است و اصلی‌ترین آن‌ها انگیزه بقاء است، که به طور فطری در انسان وجود دارد. از این‌رو، هر کاری را که با هدف بقاء و حیات دائم سازگاری داشته باشد انجام می‌دهد.

پژوهش‌هایی که تاکنون در حوزه آمادگی دفاعی انجام شده هیچ یک به طور صریح یا ضمنی به موضوع مورد نظر این پژوهش نپرداخته‌اند، اما می‌توان به سه پژوهش که پیوستگی موضوعی نسبتاً بیشتری با پژوهش حاضر دارند، اشاره کرد:

آقاپور در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، تحت عنوان «اصول آمادگی دفاعی در حکومت اسلامی» تأثیر دو دسته از عوامل (حکومتی و اجتماعی) را بر آمادگی دفاعی بررسی کرده است (آقاپور، ۱۳۶۸: ۷۸-۱۳۲). کمالی و خیراندیش در پژوهشی با عنوان «الگوی توسعه آمادگی دفاعی کارکنان نیروهای مسلح»، چنین نتیجه گرفته‌اند که اجرای راهبردهای ارتقاء معنویت، رشد قابلیت‌های نظامی و فناوریانه و ترویج فرهنگ اسلامی می‌تواند، زمینه توسعه آمادگی دفاعی کارکنان نیروهای مسلح را فراهم سازد (کمالی و خیراندیش، ۱۳۹۶). مردانی (گلستانی) در پژوهشی تحت عنوان «مبانی و اصول قرآنی اندیشه دفاعی در اسلام»، حفظ وحدت و انسجام، اطاعت از فرماندهی و آمادگی دفاعی را از مهم‌ترین اصول اندیشه دفاعی اسلام دانسته است (مردانی «گلستانی»، ۱۳۹۷).

وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین در آن است که این پژوهش به طور مشخص یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر آمادگی دفاعی، یعنی ضعف روحیه را که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت جنگ دارد، مبتنی بر

آیات کلام الله مجید، بررسی می کند و نتایج آن را به گونه ای ملموس و کاربردی ارائه می نماید.

روش پژوهش

روش انتخابی در این پژوهش، توصیفی تحلیلی است و اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و رایانه ای جمع آوری شده است. در فرایند پژوهش ابتدا با مراجعه به قرآن کریم آیات مرتبط با بحث (آیات ۲۴۹ سوره بقره، ۱۳۹، ۱۴۰ و ۱۴۴ آل عمران) شناسایی شد؛ سپس با استفاده از تفاسیر قرآن کریم و سایر منابع معتبر، ضمن واکاوی آیات برگزیده و مفهوم شناسی واژه های کلیدی، بررسی های لازم درباره موضوع صورت گرفت و در جای خود از گزاره های تاریخی و دلایل عقلی و نظری در تبیین بحث، پاسخ به سؤالات تحقیق و تجزیه و تحلیل داده ها نیز بهره گرفته شده است.

قرآن کریم در آیاتی چند به عامل ضعف روحیه و تأثیر آن بر آمادگی دفاعی و پیامدهای آن مانند: ترس از دشمن، تزلزل یا از بین رفتن انسجام نیروها، احساس بی کفایتی برای مواجهه با دشمن، سستی در مبارزه و دفع تهدیدات دشمن، افزایش آسیب پذیری، شکست در نبرد، اشاره نموده است که در این مقاله حداقل چهار آیه، بررسی می شود.

مصدق اول: جنگ بنی اسرائیل با سپاهیان جالوت، به فرماندهی طالوت.

خداوند در آیه ۲۴۹ سوره بقره وضعیت روحی سپاهیان طالوت را به هنگام مواجهه با سپاهیان دشمن اینگونه توصیف می نماید: «فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [نهر] گذشتند، گفتند: «امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیان نیست.» کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است.»

طاقه: واژه «طاقه» در اصل اسم، و به معنی «طاقه» است (نحّاس، ۱۴۲۱ق: ۱/ ۱۲۳)؛ و «طاقه»، به معنای استفاده از تمام قدرت در عمل است و این معنا مستلزم آن است که عمل، به قدری دشوار باشد، که تمام نیروی انسان در انجام دادن آن صرف شود (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۱۳). به نظر می رسد مقصود از «طاقه» در آیه مورد بحث تنها توان و قدرت جسمی نیست، بلکه شامل توان و استقامت جسمی، روحی و برخورداری از تجهیزات جنگی و دفاعی می باشد؛ زیرا هم سیاق آیه چنین اقتضایی دارد، چرا که سپاه طالوت با دیدن ابهت سپاه جالوت و قبل از درگیری، مرعوب شدند و روحیه خود را باختند؛ و هم قرینه عقلی و عرفی ناظر به این معنا است که همه این موارد از الزامات یک نیروی نظامی برای مواجهه با دشمن است و فقدان یا ضعف هر یک، بر کارآمدی و توان رزم سپاهیان تأثیر منفی دارد.

جُنُود: جمع جُنْد است؛ و به هر صنف [کثیری] از مخلوقات اطلاق می شود؛ همانطور که درباره ملخ های بسیار گفته می شود «جُنُودُ اللَّهِ» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق: ۶/ ۵۰۹). همچنین به معنای اجتماع قوی درباره همه چیز گفته می شود؛

از این رو لشکر را به دلیل ازدحام افراد در آن و قوت آن‌ها، لشکر نامیده‌اند (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ۴/ ۱۵۲). بیشتر واژه‌شناسان و مفسران در تبیین کلمه «جنود»، قائل به دلالت آن بر کثرت نفرات هستند که به خودی خود تولید قدرت می‌کند.

عبارتی که در آیه مورد بحث، «تأثیر ضعف روحیه بر آمادگی دفاعی» از آن فهمیده می‌شود، جمله «لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ» است. مفسران درباره این عبارت وجوه مختلفی را گفته‌اند: وجه اول اینکه: سپاه طالوت ترکیبی از دو گروه مؤمن و منافق، بودند و این عبارت، گفتار منافقین بود، و مؤمنان در جواب آن‌ها گفتند: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ». ممکن هم هست گفته شود گوینده هر دو عبارت مؤمنان بودند (بغدادی، ۱۴۱۵ق: ۱/ ۱۸۳) که این قول نیز با ظاهر آیه سازگار است و اشکالی ندارد که بگوییم مؤمنان به لحاظ ایمان دارای مراتبی‌اند. با این بیان، گوینده قول «لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ» کسانی بودند که درجه پایینی از ایمان را داشته‌اند و بر اساس محاسبه ظاهری با دیدن صحنه کارزار و کثرت سپاه حریف از یک سو و قلت نفرات خود از سوی دیگر، دچار ضعف روحیه و بی‌انگیزگی دفاعی در مقابل دشمن شدند. اما آن‌هایی که درجه بالاتری از ایمان داشتند، با یقین به یاری خداوند، گفتند: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ». وجه دوم اینکه: لشکریان طالوت با دو آزمایش به سه گروه تقسیم شدند: گروه اول آن‌هایی که نافرمانی کردند و از آب نهر نوشیدند، گروه دوم آن‌هایی که از آب نهر ننوشیدند و گروه سوم کسانی که مردد بودند و وضعیتشان در آزمایش نهر معلوم نشد؛ چون مشتی آب برداشتند و نوشیدند و در آزمایشی دیگر وضعیتشان روشن شد؛ و آن، این که اگر در حال جنگ به خدا اعتماد نموده و در برابر دشمن مقاومت کنند از طالوت خواهند شد و اگر دچار دو دلی و اضطراب شوند، از طایفه دوم خواهند گردید. با این بیان، گویندگان عبارت مذکور همان گروه سوم بودند که مشتی آب برداشتند، و پاسخ دهندگان به ایشان کسانی بودند، که اصلاً آب ننوشیدند، و آیه شریفه از آنان به «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ» تعبیر کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/ ۲۹۲-۲۹۳).

دلیل اظهار ناتوانی لشکریان طالوت

درباره علت اظهار ناتوانی لشکریان طالوت، با استفاده از مفاد آیه شریفه و واقعیات میدانی صحنه نبرد می‌توان به سه نکته اشاره کرد: ۱. برتری سپاه دشمن به لحاظ نفرات و تجهیزات: نفرات و تجهیزات از جمله مؤلفه‌های تعیین کننده در موازنه قدرت است؛ به این معنا که کثرت نفرات، سلاح و تجهیزات و همچنین ورزیدگی نیروها - به حسب محاسبات مادی و جریان طبیعی - موجب دست برتر در صحنه نبرد است. در چنین شرایطی، بدیهی است که سپاه مقابل، از قیاس توان خود با توانمندی بالای دشمن دچار ضعف روحیه، ترس و بی‌انگیزگی در آمادگی دفاعی می‌شود و پیشاپیش، خود را در جایگاه شکست خورده می‌بیند؛ ۲. تشنگی و ضعف ناشی از آن: تشنگی می‌تواند باعث ضعف جسمی، ناتوانی و آسیب‌پذیری بیشتر نیروها در برابر حملات دشمن و در نتیجه ضعف روحیه و کاهش آمادگی دفاعی آنان گردد؛ ۳. ضعف ایمان: افراد ضعیف‌الایمان و کسانی که معیارشان صرفاً محاسبات مادی و ظاهری است، با دیدن نقاط قوت دشمن و بدون توجه به توان مادی و معنوی نیروهای خودی، دچار ضعف

روحیه و در نتیجه، کاهش آمادگی دفاعی و احساس بی کفایتی در برابر دشمن می شوند. با این مقدمه، در بیان چرایی اظهار ناتوانی لشکریان طالوت به هنگام روبرو شدن با سپاه دشمن باید گفت: سپاهیان طالوت چون اوضاع و احوال را به حسب ظاهر می نگریستند از یک سو با دیدن کثرت نفرات و تجهیزات سپاه دشمن از درون دچار ترس وحشت شدند (قشیری، بی تا: ۱/ ۱۹۳) و از سوی دیگر به دلیل تشنگی و ضعف غالب و تعداد اندک سپاه طالوت (مظهري، ۱۴۱۲ق: ۱/ ۳۵۱)، با خود گفتند: ما توان مبارزه و مقاومت در برابر آنان را نداریم چه رسد به اینکه بر آنها پیروز شویم (حقى بروسوى، بی تا: ۱/ ۳۸۸). در نتیجه روحیه خود را باختند و دچار بی انگیزگی مقابله و دفاع در برابر آنان شدند و پیشاپیش خود را بازنده میدان نبرد می دیدند. با این بیان به نظر می رسد دلیل اصلی ضعف روحیه سپاهیان طالوت، ضعف ایمان بود زیرا اگر ایمان قوی باشد عواملی مانند، ترس، تشنگی و... تحت الشعاع قرار می گیرد. در عین حال عامل مستقیم و تأثیرگذار بر آمادگی دفاعی، در اینجا ضعف روحیه است؛ اگرچه ضعف روحیه خود زائیده ضعف ایمان است و پیامد آن ترس و احساس بی کفایتی در مواجهه با دشمن می باشد.

مصدق دوم: جنگ احد؛ آیات ۱۳۹، ۱۴۰ و ۱۴۴ سوره آل عمران

۱. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و اگر مؤمنید، سستی نکنید و غمگین مشوید، که شما برترید» (آل عمران: ۱۳۹).

وَهَن: این کلمه و مشتقات آن در پنج آیه از قرآن کریم و شش بار آمده و به گفته مفسران در همه موارد به معنی ضعف، سستی، ناتوانی (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۸۴۲؛ فخرالدین رازی، ۱۴۲۰ق: ۹/ ۳۷۱) نرمی و خستگی آمده است؛ آن گونه که خداوند تعالی در سوره مریم از لسان زکریا می فرماید: «وَهْنُ الْعِظْمِ مِنِّي» (مریم: ۴) (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲ق: ۱/ ۵۱۲)؛ و نیز به حسب لغت به معنی ضعف دانسته شده و با توجه به موارد استعمال آن، در اینجا نوع خاصی از ضعف مدنظر است (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق: ۱/ ۳۴۶)؛ و [آنگونه که] برخی گفته اند: ضعف در عمل است (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق: ۱/ ۳۴۶) و در اینجا منظور ضعف مسلمین از حیث عزم و اهتمام بر اقامه دین و قتال با دشمنان (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۳۹؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ۶/ ۳۶۵) و [به بیان دیگر] استعاره، از عدم عزم، ضعف اراده، تبدیل شدن امید به یأس، شجاعت به بزدلی و یقین به شک است و به همین دلیل ممنوع است (طنطاوی، بی تا: ۲/ ۲۷۲) و خداوند متعال با قول «وَلَا تَهِنُوا» مسلمانان را از این حالت بر حذر داشت. برخی، آن را به معنی هر نوع سستی، خواه در جسم باشد یا در اراده و ایمان دانسته اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/ ۱۰۷)؛ [اما] ظاهراً مراد از آن در این آیه ضعف روحی است (قرشی، ۱۳۵۴: ۷/ ۲۵۶)؛ چرا که اساساً وجهی ندارد افراد ضعیف به لحاظ جسمی را برای جنگ روانه میدان کنند کما اینکه از سیاق آیه و گزاره تاریخی جنگ احد همین معنا استفاده می شود و در گفتار بیشتر مفسران نیز آمده است.

حُزْن: این کلمه و مشتقات آن ۴۲ بار در قرآن آمده و به معنای اندوه در مقابل کلمه «فَرَح» (سرور) است. حزن آنگاه به انسان دست می دهد که چیزی را داشته و آن را از دست بدهد یا می خواهد داشته باشد ولی ندارد یا خود را مالک آن محسوب کرده و از دستش بدهد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۳۹؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ۶/ ۳۶۵).

همچنین گفته شده، دردی روانی است و زمانی بر انسان عارض می‌شود که چیزی را داشته و آن را از دست داده یا به چیز مورد علاقه خود نرسیده یا امری روح او را در نگرانی و تشویش قرار دهد (طنطاوی، بی‌تا: ۲/ ۲۷۲).

أَعْلَوْنَ: جمع «اعلی» است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۴۳/۲؛ میرزا خسروانی، ۱۳۹۰: ۲/ ۸۰) و از «عُلُو» به معنای سرفرازی گرفته شده است (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳/ ۲۱۰). «عُلُو» در اینجا، علو مجازی است و منظور از آن برتری رتبه است (ابن عاشور، بی‌تا: ۳/ ۲۲۸). بعضی گفته‌اند به معنای برتری مکانی است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۸۴۳). قرشی گفته هم به معنی برتری در مقام و هم به معنی برتری در مکان به کار رفته است (قرشی، ۱۳۵۴: ۵/ ۳۸)؛ و قریب به اتفاق مفسران، «عُلُو» را در آیه مورد بحث، برتری به لحاظ رتبه و مقصود از آن را غلبه و پیروزی مسلمانان بر مشرکین دانسته‌اند. بنابراین مقصود از «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» یعنی سرانجام شما پیروز خواهید بود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/ ۸۴۳؛ بغوی، ۱۴۲۰: ۱/ ۵۱۳)؛ چرا که شما [از نظر مقام] از آن‌ها برتر، و [از نظر قدرت] چیره‌ترید و آنچه شما در روز بدر به دست آوردید بیشتر بود از آنچه آن‌ها در روز احد به دست آوردند (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۰۶)؛ زیرا جنگ شما برای خدا است و جنگ دشمن شما برای شیطان است و جایگاه شهادت شما بهشت است در حالی که جایگاه کشته‌های دشمن شما دوزخ است (عاملی، ۱۴۱۳: ۱/ ۲۶۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/ ۴۱۸).

این آیه هنگامی نازل شد که مسلمانان به دنبال شکست در جنگ احد، متحمل کشته و زخمی [های زیادی] شدند و خداوند برای تسلی خاطر آنان این کریمه را نازل فرمود. به گفته ابن عباس، روز احد که مسلمانان شکست خوردند، در آن حال خالد بن ولید و جمعی دیگر از مشرکان خواستند از کوه مشرف بر مسلمین بالا روند؛ پیامبر (ص) دعا کرد که خدایا آنان را بر ما مسلط مکن، خدایا ما نیرویی به جز تو نداریم، خدایا در این سرزمین جز این عده معدود کسی تو را پرستش نمی‌کند... در این هنگام بود که آیه «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا...» نازل شد، و عده‌ای از تیراندازان مسلمان بازگشته و از کوه بالا رفتند و مشرکان را به تیر گرفتند و فراری دادند (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳: ۶۸-۶۹). مقصود آیه شریفه این است که در منظر دشمنان ضعیف ظاهر نشوید و اندوه خود را در برابر آنان برای کشتاری که در روز احد به شما رسید نشان ندهید چرا که شما - به شرط ایمان - برترید؛ بنابراین نباید ناامید شوید و اثر ضعف و ترس بر شما ظاهر گردد؛ پس بر آنچه به شما رسیده است اندوهگین نباشید، زیرا اندوه، تنها برای آنچه چیزی است که بدون جبران از انسان فوت شود در حالی که آنچه به شما رسیده به بهترین وجه جبران خواهد شد و کسانی از شما که کشته می‌شوند در نزد پروردگارشان شهیدند و روزی می‌خورند و این همان چیزی است که هر مؤمنی طالب آن است؛ هر چند آنچه بر شما آمده یک امر طبیعی باشد. در حقیقت آیه مبارکه، به مهم‌ترین اموری که انسان در پیروزی [بردشمن] به آن نیازمند است اشاره دارد؛ یعنی پایداری و درستکاری و بی‌اعتنایی نسبت به مصیبت‌هایی که برای جهاد در راه خدای متعال بدان مبتلا می‌شود؛ و عبارت «انتم الاعلون» بیانگر تشویق به جهاد، نوید پیروزی بر دشمن و دلداری دادن به مؤمنین و در عین حال، به خاطر سستی در جنگ، متضمن توبیخ آنان است و می‌خواهد بفرماید آنچه به سر شما آمد نتیجه عملتان (در نافرمانی) بود (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۶/ ۳۶۶-۳۶۵). جنگ احد با اینکه در ابتدا به نفع مسلمانان و با پیروزی آنان رقم خورد لیکن نافرمانی عده‌ای از افراد گمارده شده بر نقطه سوق الجیشی منطقه نبرد، که محل ماموریت خود را به

طمع جمع آوری غنیمت ترک کردند، باعث شد تا سپاه مشرکین با استفاده از فرصت پیش آمده با تمام قوا حمله کند و ضربه سهمگینی بر سپاهیان اسلام وارد نماید. در این حمله غافلگیرانه تعداد فراوانی از رزم آوران به نام سپاه اسلام همچون حمزه سیدالشهداء(ع) به شهادت رسیدند و جمع کثیری نیز مجروح گردیدند و انسجام سپاه از هم گسیخت(واقعی، ۱۳۶۱: ۱۶۶/۱-۱۷۳). در نتیجه‌ی این شکست، مؤمنان سخت محزون گشته و به شدت دچار ضعف روحیه شدند، و به این ترتیب آمادگی دفاعی خود را در برابر دشمن از دست دادند. اگرچه در این آیه خطاب متوجه مؤمنین است، ولی چون آنها به مقتضای ایمانشان عمل نکردند و صفاتی چون صبر و تقوا که از اقتضائات ایمان است را نداشتند؛ متحمل ضربه از ناحیه دشمن شدند(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۴۰)؛ از مجموع نظرات مفسران(موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ۶/ ۳۶۶-۳۶۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۴۰) استفاده می‌شود که خداوند تعالی با نزول آیه مورد بحث مؤمنین را دلداری داده و جبران شکست و برتری آنان را مشروط به ایمان [عملی] می‌نماید. سیاق آیه شریفه بیانگر آن است که ضعف روحیه، آمادگی دفاعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و دلیل عقلی نیز مؤید همین معنا است؛ زیرا وقتی لشکری به اقتضائات قوانین جنگ عمل نمی‌کنند، آسیب‌پذیری آنها افزایش می‌یابد و دچار شکست در برابر دشمن می‌گردند.

در اینجا نیز عامل مستقیم و مؤثر در بی‌انگیزگی آمادگی دفاعی، ضعف روحیه است؛ اگرچه ضعف روحیه خود، مولود حزنی است که پس از شکست و ایراد خسارات و تلفات زیاد انسانی، در اثر نافرمانی و سستی عارض می‌گردد و با استفاده از گزاره تاریخی واقعه احد و سیاق آیه مورد بحث، می‌توان به این موارد به عنوان پیامدهای ضعف روحیه اشاره کرد: تزلزل و از بین رفتن انسجام نیروها، سستی در مبارزه، و افزایش آسیب‌پذیری.

۲. «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَ تِلْكَ الْآيَاتُ نَدَاؤُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ؛ اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد، و از میان شما گواهانی بگیرد، و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد»(آل عمران: ۱۴۰).

قَرْح: در تبیین معنای این واژه در بین مفسران و واژه‌شناسان دو قول وجود دارد؛ ۱. کلمه قَرْح به فتح «قاف» به معنای اثری است که از جراحت و آسیب وارده، در اثر برخورد با شیء برنده‌ای از خارج بر بدن باقی می‌ماند و به ضم «قاف» اثر جراحی است که از داخل بدن پدید می‌آید، مانند دمل و جوش و امثال آن(راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق: ۴۰۰). گویا این کلمه در آیه مورد بحث کنایه از آسیبی است که در جنگ احد، از ناحیه دشمن به مسلمانان که یک فرد واحد فرض شده‌اند رسیده؛ یعنی گروهی از ایشان کشته و جمعی مجروح گردیدند و موقعیت پیروزی بر دشمن را با اینکه به آن نزدیک شده بودند از دست دادند(طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۴۰؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ۶/ ۳۶۷؛ امین (بانوی اصفهانی)، ۱۳۶۱: ۳/ ۲۷۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/ ۱۰۸). ۲. کلمه قَرْح به فتح «قاف»، عین جراحی است که به انسان می‌رسد و به ضم «قاف»، درد مترتب بر آن است و این قول اکثر مفسران است(طوسی، بی‌تا: ۲/ ۶۰۰؛ بغوی، ۱۴۲۰ق: ۱/ ۵۱۴؛ رشیدالدین میبدی، ۱۳۷۱: ۲/ ۲۸۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/ ۴۱۸).

به گفته مفسران این آیه نیز همانند آیه قبل مربوط به جنگ احد است. مصیبت‌های ثانوی جنگ احد باعث شد تا

رزمندگان اسلام به شدت دچار اندوه گشته و از ادامه جنگ سست شوند و در واقع انگیزه‌ی آن‌ها برای دفاع از بین رفت؛ چراکه خود را در جایگاه شکست خورده و فرودست می‌دیدند؛ ولی خداوند با نزول آیه مورد بحث، آنان را تسلی داده و به آنان یادآور می‌شود که دنیا همواره به کام گروه خاصی نیست و بستگی به ایمان و عمل آنها دارد و این خاصیت جنگ است که هر دو طرف دچار آسیب می‌شوند. از عبارت «وَلْيَعْلَمْ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا»، استفاده می‌شود که ایمان و تبعیت از پیامبر (ص) [فرماندهی] باید در جهاد [و صحنه عمل] تحقق یابد و معنای «وَلَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» آن است که خداوند ستمکاران را دوست ندارد ولی چون مسلمانان [با فرمان پیامبر (ص)] مخالفت کرده و فرار کردند، در نتیجه براساس اسباب و شرایط جنگ، ستمگران بر آن‌ها مسلط شدند (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق: ۱/ ۳۴۷) و عبارت «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ...» بر این دلالت دارد که علت سستی و حزن مسلمانان در جنگ احد این بوده که دیده‌اند گروهی مجروح شده‌اند و کفار بر آنها مسلط شده‌اند؛ لذا با دیدن این وضعیت، دچار سستی و اندوه شدند؛ زیرا مشرکین اگرچه در آن روز نتوانستند به تمام معنا بر لشکر اسلام غلبه پیدا کنند و - سرانجام - نتیجه جنگ به نفع آن‌ها و شکست مسلمانان رقم نخورد، ولی سخت‌ترین آسیب را به مؤمنین زدند، چراکه هفتاد نفر از شجاعان مسلمان شهید شد، به علاوه اینکه تمام این اتفاقات ناگوار در داخل سرزمین مسلمانان رخ داد و این نیز خود موجب سستی و اندوه آن‌ها شد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۳۹).

سبک آیات ۱۳۹-۱۴۳ گواهی می‌دهد که این آیات - ازجمله آیه مورد بحث - بعد از فرار لشکر اسلام و بازگشت مجدد آن‌ها به میدان جنگ نازل شده است (بلاغی، ۱۳۸۶ق: ۳۰۳/۱). بنا براین از بیان مفسران (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق: ۱/ ۳۴۷؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۳۹) و نیز سیاق، و لحن دلجویانه آیه شریفه که می‌فرماید: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ...» یعنی اگر در روز احد جراحت و دردی به شما رسید، مانند آن در جنگ بدر به دشمنانتان نیز وارد شد؛ در حالی که این جراحت‌ها روحیه دشمنان شما را ضعیف نکرد و از جنگیدن با شما باز نداشت (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۰۶)، استفاده می‌شود که ضعف روحیه برآمدگی دفاعی و توان رزم نیروهای نظامی تأثیر منفی دارد و دلیل عقلی نیز مؤید همین معنا است؛ زیرا به طور طبیعی وقتی لشکری در مقابل دشمن، شکست می‌خورد - به ویژه پس از پیروزی اولیه - دچار ضعف روحیه و در نتیجه از بین رفتن آمادگی دفاعی می‌شود.

در اینجا نیز عامل اصلی و مؤثر در بی‌انگیزگی دفاعی همان ضعف روحیه است؛ اگرچه ضعف روحیه خود معلول حزن است که محصول تحمل تلفات زیاد، در نتیجه‌ی شکست است و پیامدهای ضعف روحیه با استفاده از مفاد آیه شریفه عبارتند از: احساس بی‌کفایتی در مواجهه با دشمن، و سستی در مبارزه.

۳. «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبِهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ» و محمد، جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی‌گردید؟ و هر کس از عقیده خود باز گردد، هرگز هیچ زیانی به خدا نمی‌رساند، و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد» (آل عمران: ۱۴۴).

این آیه نیز بنا بر آنچه قریب به اتفاق مفسران گفته‌اند به دنبال چند آیه قبل و مربوط به جنگ احد است. در این آیه، همانند آیات قبل و بلکه راسخ‌تر، وضعیت متزلزل و نابسامان جبهه مسلمانان، عدم تمایل آنان برای ادامه نبرد با

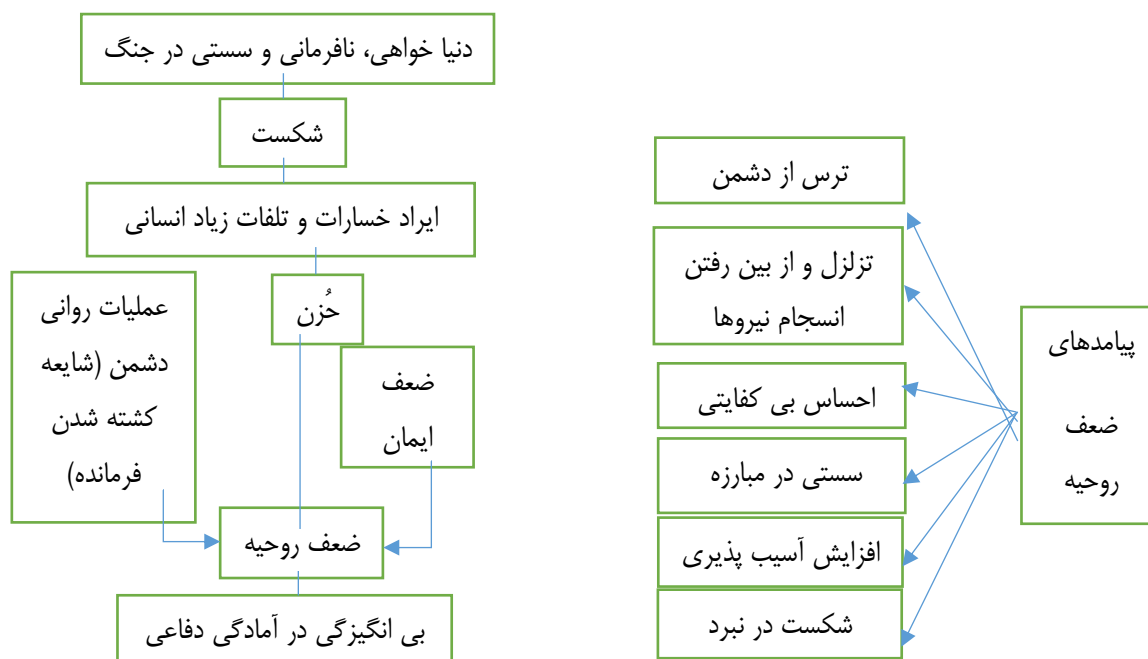
دشمن و فقدان انگیزه آمادگی دفاعی در اثر ضعف شدید روحیه به خوبی ترسیم شده است. سیاق عتاب آلود آیه مورد بحث، قوی‌ترین گواه بر این است که مسلمانان در روز احد، گمان قوی پیدا کردند به اینکه پیامبر (ص) کشته شده و به همین جهت پراکنده شدند و پشت به نبرد با دشمن کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/ ۵۷)؛ و گزاره تاریخی نیز مؤید همین معناست. بنا بر آنچه از ابن عباس و دیگران روایت شده، نابسامانی روحی مسلمانان به دنبال شایعه کشته شدن پیامبر (ص) به گونه‌ای بود که حتی برخی [منافقان] در رسالت پیامبر اعظم (ص) تردید کردند (طوسی، بی تا: ۳/ ۶). گزارش واقعی، تاریخ‌نگار برجسته اسلامی حاکی از این واقعیت است که در روز «احد» هشت نفر با پیامبر (ص) تا سر حد بذل جان ایستادند؛ سه تن از مهاجر (علی، طلحه و زبیر) و پنج نفر از انصار بودند و به جز این هشت نفر، همگی در لحظه خطر [تغییر موازنه به نفع دشمن] فرار کردند (سبحانی، ۱۳۵۱: ۱/ ۵۵۰) و نیز گزارش انس ابن نضر (عموی انس ابن مالک) از صحنه نبرد که گویای تزلزل و ضعف شدید روحیه مسلمانان [به دنبال شایعه کشته شدن پیامبر (ص)] و تلاش برخی از مسلمانان برای امان گرفتن از ابوسفیان و پیوستن به او می‌باشد (ابن عربی، ۱۴۲۲ق: ۱/ ۱۲۵)، ناظر به همین معنا است.

در اینجا نیز اگرچه ضعف روحیه نتیجه شایعه کشته شدن فرماندهی است، اما خود، عامل اصلی و مؤثر بر بی‌انگیزگی در آمادگی دفاعی است و پیامد آن، تزلزل، از بین رفتن انسجام نیروها، پشت کردن به دشمن و شکست می‌باشد. استفاده دیگری که از سیاق آیه مورد بحث، می‌شود آن است که نقش فرماندهی و حضور او در صحنه نبرد به قدری مهم و تعیین کننده است که حتی شایعه کشته شدن وی می‌تواند موجب تضعیف شدید روحیه سپاهیان، سستی در برابر دشمن و شکست آنان شود؛ آن گونه که تجربه تاریخی جنگ احد و دلیل عقلی نیز مؤید این معناست که با حذف فرماندهی از صحنه نبرد - ولو در ذهن‌ها - نیروها، دچار ضعف روحیه و گسست انسجام داخلی می‌شوند و در نتیجه آمادگی دفاعی آن‌ها در برابر دشمن از بین می‌رود؛ اما اگر ایمان واقعی به هدف داشته باشند، می‌توانند با تجدید روحیه و تحت پرچم فرماندهی جدید و ضمن بازسازی سازمان رزم، برای تداوم مبارزه با دشمن آماده شوند؛ همان طور که در همین جنگ، پس از نزول آیه ۱۰۴ سوره نساء، روحیه سپاهیان اسلام تجدید شد و نه تنها آمادگی دفاعی آن‌ها برای مواجهه مجدد با سپاه مشرکین افزایش یافت، بلکه حالت تهاجمی به خود گرفتند و دشمن را تا حمراء الاسد تعقیب کردند؛ سخن ابن عباس و عکرمه، ناظر به همین معنا است که وقتی در روز جنگ احد، مسلمانان گرفتار آن شکست تاریخی شدند، ابوسفیان گفت: قرار ملاقات ما در روز بدر صغری است (طوسی، بی تا: ۳/ ۳۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳/ ۱۶۰)؛ مسلمانان با جراحت‌های بسیاری که برداشته بودند، خوابیدند، از این رو آیه ۱۰۴ سوره نساء نازل شد، که فرمود: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» و در تعقیب گروه [دشمنان] سستی نورزید. اگر شما درد می‌کشید، آنان [نیز] همان گونه که شما درد می‌کشید، درد می‌کشند، و حال آنکه شما چیزهایی از خدا امید دارید که آن‌ها امید ندارند، و خدا همواره دانای سنجیده کار است؛ منظور خداوند متعال این بود که با بدن مجروح، دشمنان را تعقیب کنند و مشرکان را دچار وحشت کنند. آن‌ها نیز امر خدا را اطاعت کردند و با بدن‌های مجروح تا «حمراء الاسد» مشرکین را دنبال کردند. مشرکین با شنیدن این خبر، با سرعتی هر چه بیشتر تاختند و

خود را به مکه رسانیدند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۶۰/۳).

یافته‌های پژوهش

بررسی تفسیری آیات مورد بحث ناظر به این معنا است که از نگاه قرآن کریم ضعف روحیه موجب بی‌انگیزگی در آمادگی دفاعی رزمندگان برای مواجهه با دشمن می‌گردد. چگونگی این اثرگذاری و رسیدن به چنین یافته‌ای با استفاده از گفتار مفسران و تجزیه و تحلیل مضامین و مفاهیم استخراج شده، بدین قرار است که «دنيا خواهی، نافرمانی و سستی در جنگ»، «ضعف ایمان»، و «عملیات روانی دشمن (شایعه کشته شدن فرماندهی)» هر کدام می‌توانند به عنوان عوامل مُعدّه باعث ضعف روحیه رزمندگان و در نتیجه «بی‌انگیزگی در آمادگی دفاعی» شوند، که این فرایند در شکل (۱) نمایش داده شده است. همچنین در جمع‌بندی حاصل از مباحث مطرح شده می‌توان گفت: از منظر قرآن کریم، ترس از دشمن، تزلزل و از بین رفتن انسجام نیروها، احساس بی‌کفایتی، سستی در مبارزه، افزایش آسیب‌پذیری، شکست در نبرد از جمله پیامدهای ضعف روحیه می‌باشند، و این موارد را می‌توان در قالب شکل (۲) نمایش داد.



شکل ۲. پیامدهای ضعف روحیه از منظر قرآن کریم. شکل ۱. چگونگی تأثیر ضعف روحیه بر آمادگی دفاعی از منظر قرآن کریم

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت که افراد ضعیف‌الایمان و ظاهربین، با مشاهده نقاط قوت دشمن و بدون توجه به توان مادی و معنوی نیروهای خودی، دچار ترس، ضعف روحیه و بی‌انگیزگی در آمادگی دفاعی می‌شوند. تأثیر ضعف روحیه بر آمادگی دفاعی به قدری است که مدافعان و جنگجویان، از پیش، خود را بازنده

میدان می‌دانند و از هر گونه تلاشی برای مبارزه و احیاناً تغییر موازنه به نفع خویش، دست می‌کشند. تجربه روبرو شدن سپاهیان طالوت با لشکریان جالوت و مشاهده کثرت نفرات و تجهیزات دشمن که گفتند: «لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ» و همچنین وقایع ثانوی جنگ احد، که تفصیل آن در تفسیر آیات مورد بحث گذشت، گویای این معناست.

نقش فرماندهی و حضور او در صحنه نبرد به قدری مهم و تعیین کننده است که حتی شایعه کشته شدن وی می‌تواند موجب تضعیف شدید روحیه سپاهیان، سستی در برابر دشمن، و شکست آنان شود؛ آن گونه که تجربه تاریخی جنگ احد و دلیل عقلی نیز مؤید این معنا است که با حذف فرماندهی از صحنه نبرد - ولو در ذهن - نیروها، دچار ضعف روحیه و گسست انسجام داخلی می‌شوند، در نتیجه، آمادگی دفاعی آنها در برابر دشمن از بین می‌رود؛ با این وجود اگر ایمان واقعی به هدف داشته باشند، می‌توانند با تجدید روحیه، و تحت پرچم فرماندهی جدید و ضمن بازسازی سازمان رزم، برای تداوم مبارزه با دشمن آماده شوند؛ همانطور که در جنگ احد، پس از نزول آیه ۱۰۴ سوره نساء، روحیه سپاهیان اسلام تجدید شد، نه تنها آمادگی دفاعی آنها برای مواجهه مجدد با سپاه مشرکین افزایش یافت، بلکه دشمن را تا حمراء الاسد تعقیب کردند. از طرفی نافرمانی در جنگ، موجب تسلط دشمن، ضعف روحیه و به تبع آن، از بین رفتن آمادگی دفاعی و شکست می‌گردد. بنابراین در پاسخ به سؤال اول پژوهش می‌توان گفت: از بررسی تفسیری آیات مورد بحث (آیات ۲۴۹ سوره بقره، ۱۳۹، ۱۴۰ و ۱۴۴ آل عمران) و گفتار مفسران نتیجه گرفته می‌شود که ضعف روحیه عامل اصلی و تأثیرگذار بر آمادگی دفاعی است؛ اگرچه ضعف روحیه خود، گاهی ناشی از ضعف ایمان، عملیات روانی دشمن (شایعه کشته شدن فرماندهی) یا مولود حزنی است که پس از شکست، و ایراد خسارات و تلفات زیاد انسانی، در اثر دنیاخواهی، نافرمانی و سستی در جنگ عارض می‌گردد؛ که تجربه جنگ احد، و سیاق آیه ۱۴۰ سوره آل عمران ناظر به همین معناست. در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، با استناد به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت: از منظر قرآن کریم، ترس از دشمن، تزلزل و از بین رفتن انسجام نیروها، احساس بی‌کفایتی، سستی در مبارزه، افزایش آسیب‌پذیری و شکست در نبرد از جمله پیامدهای ضعف روحیه می‌باشند.

همچنین با استناد به مباحث مطرح شده نتیجه گرفته می‌شود که قرآن کریم، ایمان راسخ و اعتماد به وعده نصرت الهی مشروط به صبر و پایداری، عمل به اقتضای ایمان (یعنی صبر و تقوا)، تغییر در نگاه به حوادث و پرهیز از مطلق‌گرایی، ایمان واقعی به حقانیت جبهه حق و اعتماد به پاداش خداوند را از جمله راهکارهای مقابله با ضعف روحیه دانسته است و مؤمنان باید بدانند که اولاً در جنگ هر دو طرف آسیب می‌بینند «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ» - چه اینکه هر گاه همه، در مصیبتی شریک باشند تحمل آن آسان و صبر بر مصیبت آسان‌تر است -، ثانیاً، همواره ایام به کام گروهی خاص نیست بلکه سنت الهی بر آن استوار گردیده تا برای شناساندن مؤمنین، روزگار بین افراد و گروه‌ها دست به دست شود «وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا». چرا که چنین رویکردی به حوادث، قدرت تاب‌آوری افراد را بالا می‌برد و ناامیدی و ضعف روحیه آنها را جبران نموده و آنان را برای ادامه مبارزه با دشمن مصمم‌تر می‌گرداند.

پیشنهاد می‌شود: ۱. علاقه‌مندان با استفاده از آیات و روایات، سایر عوامل تضعیف کننده و نیز تقویت کننده آمادگی دفاعی را بررسی کنند؛ ۲. فرماندهان و مسئولین ذیربط در نیروهای مسلح با توجه به تأثیرات و پیامدهای ضعف روحیه بر آمادگی دفاعی، این عامل را به عنوان یک آسیب جدی قلمداد نموده و همواره نسبت به رصد و از بین بردن زمینه‌های به وجود آورنده آن کوشا باشند.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
۲. ابن عاشور، محمدابن طاهر، (بی‌تا)، التحرير والتنوير، بی‌جا، بی‌نا.
۳. ابن عربی، ابو عبدالله محی‌الدین محمد، (۱۴۲۲ق)، تفسیر ابن عربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. آقاپور، سیدمهدی، (۱۳۶۸)، اصول آمادگی دفاعی در حکومت اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، رشته تربیت بدنی.
۶. امین (بانوی اصفهانی)، سیده نصرت، (۱۳۶۱)، مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۷. بغدادی، علی بن محمد، (۱۴۱۵ق)، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. بغوی، حسین ابن مسعود، (۱۴۲۰ق)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۹. بلاغی نجفی، محمدجواد، (۱۴۲۰ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
۱۰. بلاغی، سید عبدالحجت، (۱۳۸۶ق)، حجه التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم، انتشارات حکمت.
۱۱. الجرجی، خلیل، (۱۹۷۳م)، معجم العربی الحدیث (لاروس)، باریس، مکتبه لاروس.
۱۲. حسینی همدانی، سید محمدحسین، (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی.
۱۳. حقی بروسوی، اسماعیل، (بی‌تا)، تفسیر روح البیان، بیروت، دارالفکر.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، (۱۴۰۴ق)، المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا، دفتر نشر الکتاب.
۱۶. رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، (۱۳۷۱)، کشف الأسرار و عدۀ الأبرار، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۷. زمخشری، محمود، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۸. سبحانی، جعفر، (۱۳۵۱)، فروغ ابدیت، بی‌جا، مجمع علمی نجات نسل جوان.
۱۹. صدری افشار، غلامحسین، (۱۳۸۸)، فرهنگ نامه فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷)، تفسیر جوامع الجامع، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۳. طنطاوی، سید محمد، (بی تا)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، بی جا، بی نا.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۵. عاملی، علی بن حسن، (۱۴۱۳ق)، الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، قم، دار القرآن الکریم.
۲۶. فخرالدین رازی، ابوعبدالله، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۵۴)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. قریب، محمد، (۱۳۶۶)، تبیین اللغات لتبیان الآیات یا فرهنگ لغات قرآن، تهران، انتشارات بنیاد.
۲۹. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، (بی تا)، لطایف الإشارات، الهیئه المصریه العامه.
۳۰. کمالی، روزبه و خیر اندیش، مهدی، (۱۳۹۵)، «الگوی توسعه آمادگی دفاعی نیروهای مسلح»، فصلنامه علمی پژوهشی، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال اول، ش ۱، بهار ۱۳۹۶، صص ۵-۳۳.
۳۱. مردانی (گلستانی)، مهدی، (۱۳۹۷)، «مبانی و اصول قرآنی اندیشه دفاعی در اسلام»، مجله معرفت، سال بیست و هفتم، ش ۹، پیاپی ۲۵۲، آذر ۱۳۹۷، صص ۴۷-۵۵.
۳۲. مظهری، محمد ثناء الله، (۱۴۱۲ق)، التفسیر المظهری، پاکستان، مکتبه رشديه.
۳۳. معلوف الیسوعی، لويس، (۱۳۸۰)، المنجد فی اللغة و الادب و العلوم، قم، ذوی القربی.
۳۴. معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، (۱۴۰۹ق)، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اهل بیت.
۳۷. میرزا خسروانی، علی رضا، (۱۳۹۰ق)، تفسیر خسروی، تهران، انتشارات اسلامیه.
۳۸. نحاس، ابوجعفر احمد بن محمد، (۱۴۲۱ق)، إعراب القرآن، بی جا، منشورات محمد علی بیضون، دارالکتب العلمیه.
۳۹. نرمان.ال.مان، (۱۳۶۶)، اصول روان شناسی، ترجمه محمود ساعتچی، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۴۰. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، (۱۳۸۳)، اسباب نزول، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، نشرنی.
۴۱. واقدی، محمد بن عمر، (۱۳۶۱)، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.